



در اتاق کار شخصی حاج حسان، تصویر بزرگی از یک شهید نصب شده بود که خیلی توجه مرا به خود جلب کرد. برایم مهم بود بفهمم چرا حاج حسان در میان آن همه دوستان شهیدش، عکس او را بر دیوار اتاق خود نصب کرده است. بعدها که دفترش عوض شد، همچنان عکس رنگی شهید «جمیل نعیم سکاف» در کنار عکس رهبر معظم انقلاب اسلامی، زینت بخش اتاقش بود. وقتی علت این مسئله را پرسیدم، حاجی نگاه حسرت‌باری به عکس شهید جمیل انداخت، چشمانش را پرده‌ای از اشک گرفتند و با بغض گفت: جمیل خیلی خوب بود، خیلی

مناطق اشغالی عکس‌های خوبی گرفت. این را که شنیدم، خیلی خوشحال شدم. سریع لنز را از روی دوربین باز کردم و به حاجی دادم. با تعجب پرسید چه شده؟ گفتم: این لنز چندان زیاد به کار من نمی‌آید، ولی برای شما خیلی استفاده دارد، پس به عنوان هدیه قبول کنید و حاج حسان خندان لنز را گرفت. با شناختی که از روحیه او داشتم، می‌دانستم دو روز بعد، ده‌ها نمونه از آن لنز تهیه می‌کند و در اختیار نیروهای گشتی شناسایی‌شان قرار می‌دهد.

◀ شهید مورد علاقه حاج حسان

در اتاق کار شخصی حاج حسان، تصویر بزرگی از یک شهید نصب شده بود که خیلی توجه مرا به خود جلب کرد. برایم مهم بود بفهمم چرا حاج حسان در میان آن همه دوستان شهیدش، عکس او را بر دیوار اتاق خود نصب کرده است. بعدها که دفترش عوض شد، همچنان عکس رنگی شهید «جمیل نعیم سکاف» در کنار عکس رهبر معظم انقلاب اسلامی، زینت بخش اتاقش بود. وقتی علت این مسئله را پرسیدم، حاجی نگاه حسرت‌باری به عکس شهید جمیل انداخت، چشمانش را پرده‌ای از اشک گرفتند و با بغض گفت: جمیل خیلی خوب بود، خیلی. وقتی پرسیدم جمیل کجا و چگونه شهید شد؟ تنها به این جمله بسنده کرد: در حین آموزش و دیگر هیچ نگفت. زیرعکس، تکه کاغذی چسبانده بود که دست خط خود جمیل بود و روی آن نوشته شده بود: «سقطنا شهداء... و لم نرکع... هذه دماؤنا... فتابعوا الطريق... به شهادت رسیده‌ایم... و سر خم نکرده‌ایم... این خون ماست... پس راه را ادامه دهید... شهید جمیل».

آن روزها، حسان درباره شهادت جمیل، فقط گفت طی دوره آموزشی به شهادت رسیده است. سرانجام در سال ۱۳۹۳، حزب الله لبنان که ۲۹ سال نحوه شهادت جمیل را مخفی نگه داشته بود، اعلام کرد: شهید «جمیل نعیم سکاف» روز جمعه ۳ تیر ۱۳۷۴ طی آموزش خلبانی هواپیمای بدون موتور برای انجام عملیات شهادت طلبانه، به شهادت رسیده است.

◀ ذوق حاج حسان از دیدن عکس آقا

زمرستان سال ۱۳۷۷، هنگامی که برای عکاسی از مراسم روز قدس که در بیروت برگزار می‌شد، به لبنان رفتم، مقدار زیادی عکس‌های برجسبی و تعدادی پوستر به عنوان سوغات از ایران، همراه خود بردم. حاج حسان را که دیدم، گل از گلم شکفت، همیشه همین‌گونه بود. دیدن او، صفایی خاص داشت. حاج حسان «شاه‌کلید» اختصاصی من در لبنان بود. اصلاً نمی‌دانستم حاجی چه مسئولیتی در حزب الله و مقاومت دارد؛ هرچه که بود، با بودن او، برای تردد در مناطق مرزی و عملیاتی جنوب هیچ مشکلی نداشتم. همین مسئله برایم

کلی ارزش داشت. هیچ‌گاه هم از او نپرسیدم چه کاره است و چه مسئولیتی دارد، مهم این بود که حرفش برو داشت و اصلاً نیازی به نوشتن برگه یا حکم مأموریت نبود. فقط کافی بود اراده کنم به جنوب بروم، به او می‌گفتم و او با یک تلفن کوتاه، همه چیز را حل می‌کرد.

وقتی به دفتر حاجی رفتم، مقوای لوله شده را باز کردم و پوستر بسیار زیبای رهبر معظم انقلاب که چفیه بر گردن داشتند و به تازگی در ایران چاپ شده بود، تقدیم او کردم. چنان برق ذوقی در چشمان حاج حسان پدیدار شد و لبانش به خنده باز شدند که من یکی کیف کردم. پوستر آقا را در دست گرفتم، ذوق کرد و مدام صلوات می‌فرستاد. خوشحال شدم از اینکه توانسته بودم هدیه‌ای برای حاجی ببرم که خوشحالش کند. دو روز بعد متوجه شدم از آن پوستری که آورده بودم، تعداد زیادی تکثیر شده و در قلابی زیبا، در همه اتاق‌ها قرار گرفته است. حاجی آن را به عکاسی که دوستش بود، سپرده بود و از روی آن تعداد زیادی چاپ کرده بود.

◀ حاج حسان و آموزش خلبانی

اواخر ماه رمضان سال ۱۳۷۶ در سفری که برای عکاسی از مراسم روز قدس به لبنان داشتم، میهمان حاج حسان بودم. دفتر کار حاجی، واحدی اجاره‌ای از آپارتمانی بزرگ در منطقه ضاحیه، محله «حاره حریک» بود. یکی از شب‌ها، دیدم حاجی، پای کامپیوتر مشغول بازی است. تعجب کردم. یعنی حاج حسان این قدر بی‌کار بود که مثل بچه‌ها، بنشیند پای کامپیوتر و بازی کند!

جلو که رفتم، دیدم دارد بازی هواپیمایی می‌کند. خنده‌ام گرفت. گفتم: چیه حاجی، هوس کردی مثل بچه‌ها با کامپیوتر بازی کنی؟ خندیدم و گفتم: خب معلومه حاجی، تو شب و روز نشستی بازی می‌کنی، من اولین بارمه، باید بگویم زمین، که گفت: بازی چیه جوون؟ اینکه بازی نیست. گفتم پس چیه؟ حاجی جواب داد: به این می‌گن «سیمولاتور». با تعجب گفتم چی؟ سیمولاتور! این دیگه چیه؟ گفت: سیمولاتور شبیه‌ساز پرواز. چیزیه که خلبان‌ها قبل از پرواز باید آن قدر با اون کار کنند که به راحتی بتونن تو کابین پرواز بشینن. اگر خلبانی این‌جا نتونه پرواز کنه، قطعاً نمی‌تونه هواپیما رو هدایت کنه. کار با این، خیلی مهمه. با تعجب گفتم: حاجی جون، مگه شما هواپیما دارید که این چیزها رو تمرین می‌کنید؟ پاسخ داد: نداریم، ولی خدا رو چه دیدی؟ شاید روزی رسید هواپیما هم تهیه کردیم. ما در



شهید گمنام

فیلم کمتر دیده شده از فرمانده حسان اللقیس در فضای مجازی. برای مشاهده این فیلم نمایه کیو آر کد مقابل را اسکن کنید.

